

سلسله مراتب ارزشی دانشجویان

بررسی مقایسه‌ای میان دانشگاه علوم انتظامی و دانشگاه تربیت معلم تهران

حسین محبوبی منشی^(۱)

چکیده

مطالعه تجربی ارزش‌های اجتماعی - به مفهوم نظامی از تصورات و پنداشت‌های اساسی درباره خواستنی‌ها، مناسب‌ها و مطلوب‌ها - که به عنوان هسته اصلی کنش اجتماعی و پایه و مبنای نظم اجتماعی محسوب می‌گردد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای جامعه‌ای است که آهنگ توسعه نیز دارد. سؤال اساسی این تحقیق، چگونگی سلسله مراتب ارزشی دانشجویان دانشکده افسری کارشناسی دانشگاه علوم انتظامی در مقایسه با دانشجویان پسر دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران است که در قالب طرح ایجیل و سلسله مراتب سبیرنتیکی پارسونز می‌باشد و طی آن ارزش‌ها در ابعاد چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطالعه می‌گردد. مجموعه تعداد ۲۵۴ نفر به عنوان حجم نمونه به روش نمونه‌گیری احتمالی از نوع طبقه‌ای نسبی، انتخاب تصادفی شده‌اند. روش تحقیق نیز، تلفیقی از روش‌های پیمایشی و مقایسه‌ای (پس رویدادی) است که به شیوه مقطعی در سطح خرد از طریق پرسشنامه جمع‌آوری اطلاعات شده است. برای سنجش ارزش‌های چهارگانه از مقیاس خودساخته با اتکاء بر روش دلفی، بهره‌گیری شده است که به تفکیک هریک از سطوح ارزشی، شامل ۲۰ گویه در یک طیف پنج‌ارزشی است. دو نتیجه عمده حاصل از تحقیق فوق به شرح ذیل است: ۱ - سلسله مراتب ارزشی دانشجویان پلیس به ترتیب شامل: ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که در هریک سطوح ارزشی فوق، به ترتیب گویه‌های آبرو، پایداری به دین، دفاع از وطن و نظم و انضباط در اولویت اول آنان قرار دارد. ۲ - سلسله مراتب ارزشی دانشجویان تربیت معلم، به ترتیب شامل: ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است که در هریک از ابعاد چهارگانه ارزشی فوق، به ترتیب گویه‌های اعتماد، امنیت، دانش و پیشرفت در اولویت آنان قرار دارد.

کلمات کلیدی:

ارزش Value / ارزش سیاسی Political Value / ارزش فرهنگی Cultural Value / ارزش اجتماعی Social Value / ارزش اقتصادی Economical Value / سلسله مراتب ارزشی / Hierarchical Value / دانشجویان Students / دانشجویان افسری پلیس Police Cadets

۱- معاون پژوهش دانشکده پلیس انتظامی دانشگاه علوم انتظامی.

◀ ارزش‌ها یکی از مفاهیم بنیادی بسیار مجادله برانگیز خاصه در علوم انسانی و اجتماعی است که سابقهٔ بحث پیرامون آن در حوزهٔ فلسفه - به عنوان مادر علوم اجتماعی - به بیش از ۲۵۰۰ سال قبل می‌رسد ولیکن در یکصد ساله اخیر در حوزه‌های علوم سیاسی، مردم‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، روان‌شناسی و خصوصاً در جامعه‌شناسی به عنوان یک مسئله علمی مورد مطالعه و شناسایی تجربی قرار گرفته است. در فلسفه با ماهیت و چیستی ارزش‌ها تحت عنوان ارزش‌شناسی^(۱)، در علوم سیاسی به چگونگی ارزش‌ها به عنوان وسیله تعامل و ارتباط میان جامعه و نظام سیاسی، در مردم‌شناسی به وجه نمادی ارزش‌ها به عنوان زیر بنای اساسی رفتار فرهنگی مردم و هسته اصلی فرهنگ، در روان‌شناسی به بُعد انگیزشی و فردی ارزش‌ها به عنوان عنصر اساسی شخصیت و بالاخره در جامعه‌شناسی به ساختار اجتماعی ارزش‌ها به مثابه مفهوم بنیادی نظام فرهنگی و نیز عنصر رهبری کننده «کنش اجتماعی» - که به قول «کی روشه»^۱ به عنوان کوچک‌ترین واحد منسجم و محسوس قابل مشاهده در رشته جامعه‌شناسی تلقی می‌شود - در عرصه ارتباط متقابل، تمرکز و تأمل ویژه‌ای می‌گردد.

جان کلام اینکه ارزش‌ها طی سازوکاری اجتماعی، می‌توانند در اعماق احساس و در پس وجدان و لایه‌های زیرین شخصیت افراد انسانی نفوذ نموده و شیوه‌های عمل، احساس و اندیشه انسانی را رهبری نمایند و به آنها ساخت‌دهی و تعیین بخشند.

طرح مسئله

ارزش‌ها به عنوان احساسات ریشه دار و تعیین بخش رفتار^۲، نگرش بنیادی ناظر بر اهداف^۳، نوعی آرمان و مطلوبیت بخش شیوه بودن یا عمل^۴،

نوعی الگوی اجتماعی و معیاری برای تنظیم رفتار^۵، تعریف گردیده است. بیش از دو هزار سال است که فیلسوفان و متفکران اجتماعی پیرامون ارزش‌ها در قالب این سؤالات کلی که «خیر و شر کدام است؟ زندگی خوب چگونه است؟ انسان کامل (یا برتر) کیست؟ فضیلت و سعادت چیست؟ و نظایر آن» مباحثه و مجادله می‌کنند که تکیه اصلی آنان برای شناخت، عقل و نقل بوده و برای نیل به جواب‌های کلی قطعی، دائمی، همه‌جانبه و جهان‌شمول به حدس‌های بخردانه بسنده نموده‌اند. اما سابقه مطالعه ارزش‌ها به عنوان یک «مسئله» به اواخر قرن نوزدهم میلادی توسط اندیشمندان علوم اجتماعی و رفتاری نوظهور باز می‌گردد که در قالب سؤالات تحقیقی و برخاسته از دانش علمی و با اتکا بر روش‌های تحقیق یا ماهیت تجربی - عقلی، تلاش می‌کنند قواعد و قانونمندی‌های ناظر بر ارزش‌ها را تحت شرایط زمانی و مکانی معین توصیف و تبیین نمایند و امروزه بیشتر در پی یافتن جواب‌های موقتی، ابطال‌پذیر و نسبی در قالب نظریه‌های علمی هستند.

در این مطالعه تلاش می‌شود، ارزش‌ها را به عنوان یک مسئله اجتماعی و حیاتی در قالب یکی از نظریه‌های برجسته و مطرح جامعه‌شناسی یعنی نظریه کنش اجتماعی پارسونز مورد مطالعه و مذاقه قرار دهیم. لذا بیشتر، بُعد اجتماعی ارزش‌ها به مثابه یک پدیده اجتماعی، الزام آور، ساخت دار، انتزاعی و نیز انضمامی، متغیر، نظام‌مند و قانونمند و سلسله مراتبی، مد نظر می‌باشد. سؤال اساسی این تحقیق عبارت است از اینکه: سلسله مراتب ارزشی دانشجویان چگونه است؟ و در چارچوب سؤال اصلی فوق، سؤالات فرعی تحقیق نیز مربوط به بررسی برخی از عوامل مؤثر بر سلسله مراتب ارزشی دانشجویان از جمله محیط آموزشی، میزان واحدهای درسی طی شده، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، میزان مذهبی بودن، موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده و فضای زیست دانشجویان می‌باشد.

به گفته دارندورف؟ «در آغاز هر تحقیق علمی باید حقیقتی، یا مجموعه‌ای از حقایق موجب حیرت پژوهشگر گردد». انگیزه اصلی پرداختن به ارزش‌های دانشجویان پلیس، به جهت رفع حیرت ناشی از دنگرش متباین درباره نیروی انتظامی است؛ به طوری که دریک سو، نگرش بسیاری از نخبگان جامعه قرار دارد که نیروی انتظامی را مظهر اقتدار ملی و مدافع ارزش‌های محوری جامعه تلقی می‌کنند و لذا آن را شایسته اعتماد و اطمینان عمومی می‌دانند. در سوی دیگر، این نگرش عامه قرار دارد که بر مبنای یک ذهنیت قالبی، ارزیابی مطلوبی نسبت به نظام شخصیتی افراد پلیس نداشته و در نتیجه از مشارکت فعالانه با پلیس، پرهیز می‌نمایند.^۷

به دنبال انگیزه فوق، در این مطالعه، صرف نظر از عوامل متعددی که در تکوین و تقویت این ذهنیت قالبی،^۸ نقش دارد، تلاش می‌گردد تا بدون پیش داوری و قضاوت ارزشی، با شناسایی تجربی سلسله مراتب ارزشی دانشجویان پلیس و محتوای نظام ارزشی آنان (به طور غیر مستقیم)، ذهنیت قالبی و عامیانه مذکور را که نظام شخصیتی پلیس را مورد چالش قرار می‌دهد و سرمایه اجتماعی آنان (اعتماد عمومی نسبت به آنها) را تحت شعاع قرار می‌دهد، مورد محک تجربی و قضاوت واقعیتی قرار دهیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت خاص این تحقیق در چهار بُعد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل طرح است. از بعد فرهنگی نقش کلیدی نیروی انتظامی در تأمین امنیت فرهنگی، تضمین ارزش‌های محوری جامعه و اهمیت جهت‌گیری ارزشی آنان در اجرای مطلوب نقش فوق‌الذکر است. از بعد اجتماعی نقش اساسی نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی، اهمیت جهت‌گیری ارزشی آنان در بهبود تعامل اجتماعی و کنش متقابل اجتماعی در

رابطه با مردم است. از بعد سیاسی نیز اهمیت ارزش‌ها و جهت‌گیری ارزشی نیروی انتظامی در رابطه با توسعه سیاسی، تأمین حقوق شهروندی و برقراری نظم سیاسی توأم با آزادی قابل ملاحظه است و بالاخره اینکه اهمیت و ضرورت این تحقیق از بعد اقتصادی؛ در مورد نقش ارزش‌ها و جهت‌گیری ارزشی نیروی انتظامی در رابطه با حیات سالم اقتصادی و تأمین امنیت اقتصادی جامعه می‌باشد.

مفهوم ارزش‌ها از منظر جامعه‌شناسی

از آنجا که نقطه عزیمت و موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی «کنش اجتماعی است، یعنی کنش انسانی در محیط‌های مختلف اجتماعی»^۹ لذا جامعه‌شناسان برای تعریف ارزش‌ها، مفهوم ارزش را به عنوان عنصر اساسی کنش اجتماعی و به تبع آن، ارزش‌ها را به عنوان عنصر بنیادی نظام فرهنگی، در نظر می‌گیرند که بر بعد اجتماعی بودن، (در مقابل فردی بودن) متمرکز و تاکید ویژه‌ای دارند. بنابراین مفهوم جامعه‌شناختی ارزش‌ها با مفهوم فلسفی آن که بیشتر صیغه ذاتی و مطلق دارد و با مفهوم روان‌شناختی ارزش‌ها که بیشتر صیغه فردی و جنبه ارگانیک دارد و با مفهوم انسان‌شناختی ارزش‌ها که بیشتر بر بعد فرهنگی متمرکز و خلاصه می‌شود و همچنین با مفهوم اقتصادی ارزش‌ها که بیشتر بر روابط مبادله‌ای متمرکز است، فرق دارد. به طور کلی می‌توان گفت: از منظر جامعه‌شناسی، مقصود از ارزش‌های اجتماعی در واقع خواست‌ها، ملاک‌ها، و معیارهای ارزیابی مورد پذیرش اکثریت یک جامعه است که براساس روابط اجتماعی متعامل متنوع شده و توسط ساختارهای جامعه ساخت یافته و توسط شبکه‌های نقش و پایگاه اجتماعی نهادینه می‌گردد و بالاخره اینکه ارزش‌ها در طول زندگی اجتماعی بر مبنای مکانیسم جامعه‌پذیری در نظام شخصیتی افراد درونی شده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. اما به طور خاص، تعریفی که

موردنظرین تحقیق می‌باشد، تعریفی است که توسط پارسونز^۱ ارائه گردیده است؛ یعنی «درک‌های‌اتصورتی درباره‌ای‌نکه‌چه‌چیزمناسب‌است» می‌باشد.

چار چوب نظری

چار چوب نظری این تحقیق بر مبنای طرح AGIL پارسونز استوار است که طی آن ابعاد چهارگانه کارکردی «انطباق^(۱)، هدف یابی^(۲)، انسجام^(۳) و حفظ الگوهای فرهنگی^(۴)» را با ابعاد چهارگانه نظام عمومی کنش «نظام اقتصادی (ارگانیکی)، نظام سیاسی (شخصیتی)، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی»، تلفیق و متناظر می‌نماید و قائل به سلسله مراتب سیبرنتیکی میان آنها می‌باشد. در این تحقیق منبع الهام ما در مورد ارزش‌های چهارگانه متناظر است که مشتمل بر ارزش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.^{۱۱} (نگاه کنید به جدول شماره ۱)

جدول (۱) - سلسله مراتب سیبرنتیکی نظام کنش اجتماعی
(با برش عمودی خرده نظام‌ها و ارزش‌های متناظر)

ابعاد شخصیتی مفروض	نماد ارزش‌ها (رسانه ارزشی نمادین)	سلسله مراتب ارزش‌های متناظر	خرده نظام‌های کنش اجتماعی در سطح کلان	خرده نظام‌های کنش اجتماعی در سطح خرد	ابعاد کارکردی نظام کنش	فرایند تبادل سیبرنتیک
آرمان‌گرا	معرفت	ارزش‌های فرهنگی	نظام فرهنگی (نظام جامعه پذیری)	نظام فرهنگی	حفظ الگو L	سرشار از اطلاعات
دگرخواه	منزلت	ارزش‌های اجتماعی	نظام اجتماعی نظام اجتماع جامعه‌ای)	نظام اجتماعی	انسجام I	کنترل مشروط کننده
قدرت‌گرا	قدرت	ارزش‌های سیاسی	نظام سیاسی سیاسی	نظام	هدف بامی G شخصیتی	کنترل مهمین
منفعت‌گرا	ثروت	ارزش‌های اقتصادی	نظام اقتصادی	نظام ارگانیکی	انطباق A	سرشار از انرژی

1-Adaptation

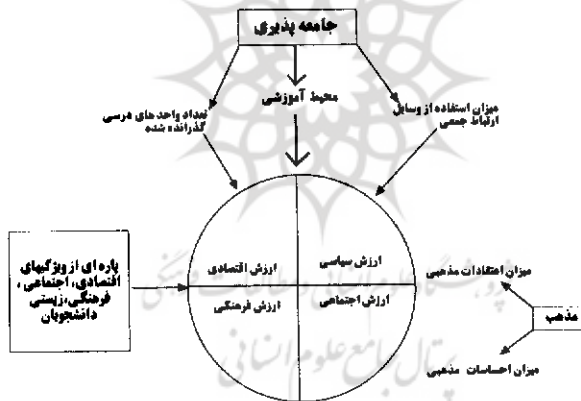
2-Goal attainment

3-Integration

4-Latency

مدل تحقیق

با توجه به چارچوب نظری تحقیق نوع‌شناسی (تیپولوژی) ارزش‌های اجتماعی در سطوح پایین انتزاع در نظریه پارسونز، احتمالاً منجر به ۶۴ نوع خرده نظام ارزشی خواهد شد که با تلفیق و ادغام آنها با متغیرهای ساختی یا الکویی، با ۵۱۲ نوع ارزش متناظر از خرده نظام‌ها، مواجه خواهیم شد که مستلزم تفکری بسیار انتزاعی و مطالعه‌ای عمیق و پردامنه است؛ اما این تحقیق به جزئیات این نوع‌شناسی کاری نداشته و منطبق بر طرح اجیل پارسونز به چهار بعد کلی و عام ارزش‌های اجتماعی - که به نوبه خود توسط ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشروط می‌شوند - اکتفا نموده و با بصیرت‌گیری از نظریات جامعه‌شناسی مورد نظر برآن متمرکز شده است. بنابراین مدل تحقیق حاضر بدین شکل می‌باشد:



(y = سلسله مراتب ارزش های متناظر با خرده نظام های نظام شخصیتی دانشجویان)

فرضیات تحقیق

در پاسخ به سؤال‌های اصلی و فرعی مطروحه در بخش طرح مسئله

تحقیق و بر مبنای استقرای تجربی از تحقیقات پیشین و استنتاج نظری (قیاس) از مفاهیم و نظریات مطروحه در چارچوب نظری، به نظر می‌رسد:

۱- سلسله مراتب خرده نظام‌های نظام ارزشی دانشجویان گروه مورد مطالعه، تابعی از اولویت ارزشی در سطوحی به‌ترتیب فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

۲- میان خرده نظام‌های نظام ارزشی دانشجویان گروه مورد مطالعه، رابطه معنی داری وجود دارد.

۳- سلسله مراتب ارزش‌های نظام ارزشی دانشجویان گروه مورد مطالعه، برحسب نوع محیط آموزشی، تفاوت می‌یابد.

۴- سلسله مراتب ارزش‌های نظام ارزشی دانشجویان گروه مورد مطالعه، بر حسب تعداد واحدهای درسی طی شده آنان تفاوت می‌پذیرد.

۵- سلسله مراتب ارزش‌های نظام ارزشی دانشجویان گروه مورد مطالعه، بر حسب میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، تفاوت می‌پذیرد.

۶- سلسله مراتب ارزش‌های نظام ارزشی دانشجویان گروه مورد مطالعه، بر حسب میزان مذهبی بودن آنان، تفاوت می‌پذیرد.

۷- سلسله مراتب ارزش‌های نظام ارزشی دانشجویان گروه مورد مطالعه، بر حسب موقعیت اقتصادی - اجتماعی آنان تفاوت می‌پذیرد.

۸- سلسله مراتب ارزش‌های نظام ارزشی دانشجویان گروه مورد مطالعه، برحسب فضای زیست آنان تفاوت می‌پذیرد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی با تلفیقی از روش‌های پیمایشی^(۱) و علی، مقایسه‌ای، یا پس رویدادی^(۲) و همبستگی^(۳) به شیوه مقطعی در سطح

1-Survey

2-Ex - post factoR.

3-Correlational

خرد می‌باشد.

برای گرد آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است که به شیوه حضوری، مبادرت به توزیع پرسشنامه در بین افراد مورد مطالعه و تکمیل آن در حضور پرسشگر، اجرا گردیده است. واحد تحلیل و سطح مشاهده نیز عبارت از « فرد » است. زمان و مکان تحقیق نیز مربوطه به نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۰-۷۹ در دانشکده افسری کارشناسی دانشگاه علوم انتظامی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم می‌باشد.

برای تحلیل داده‌ها از روشهای آماری مقتضی در دو سطح توصیفی^(۱) و استنباطی^(۲) استفاده شده است که در سطح استنباطی با توجه به ماهیت داده‌ها و توزیع آنها در جمعیت مورد مطالعه نیز از ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن^(۳) و آزمون‌های ناپارامتری^(۴) یا بدون توزیع^(۵) از جمله آزمون یومن ویتنی^(۶) و آزمون کروسکال - والیس^(۷) بهره‌گیری شده است. متغیر وابسته^(۸) تحقیق عبارت است از: «سلسله مراتب ارزشی» که مشتمل بر ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد و متغیرهای مستقل^(۹) نیز عبارتند از: محیط آموزشی، موقعیت اقتصادی - اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، میزان مذهبی بودن، تعداد واحدهای درسی گذرانده شده و فضای زیست. متغیرهای زمینه‌ای یا خصیصه‌ای^(۱۰) تحقیق نیز شامل متغیرهایی از جمله سن، محل تولد، وضع تأهل می‌باشد.

جمعیت و نمونه آماری

1-de scriptive	2-in ferntial
3-Sperman's Rank correlution c.	4-Nonparametric
5-Distribution free	6-U - Mann-Whiteny
7-Kruskal - Wallis	8-Dependent
9-independent	10-Attributes

جمعیت و نمونه آماری در این تحقیق، مشتمل بر دو گروه است :

الف- جمعیت و نمونه مورد مطالعه: دانشجویان^(۱) دانشکده افسری کارشناسی دانشگاه علوم انتظامی که از میان آنان تعداد ۱۲۷ نفر به شیوه تصادفی از نوع «طبقه‌ای نسبی»^(۲) به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند.

ب- جمعیت مورد مقایسه: دانشجویان پسر دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران در مقطع کارشناسی که از میان آنان تعداد ۱۲۷ نفر به شیوه تصادفی از نوع «طبقه‌ای نسبی» به عنوان جمعیت نمونه انتخاب گردیدند.

انتخاب دانشکده افسری، به عنوان جمعیت مورد مطالعه به جهت نقش کلیدی و حساس آن در تربیت افسران نیروی انتظامی صورت گرفته است. این افسران دارای جایگاه بالایی در نظام کنترل اجتماعی هستند و در برقراری امنیت، حفظ نظم اجتماعی، تأمین آزادی و حفاظت از ارزش‌های محوری جامعه، وظایف سنگینی را بر عهده دارند، چنانکه به گفته مقام معظم رهبری: « بزرگ‌ترین وظیفه نیروی انتظامی، حفظ ارزش‌هاست.»^{۱۲}

مقایسه این دو جمعیت فوق الذکر بر مبنای این فرض است که از نظر صوری به هم شبیه هستند؛ ولی از یک جهت اساسی یعنی محیط آموزشی (یکی نظامی و دیگری غیر نظامی)، متفاوت می‌باشند و در واقعیت امر نیز هر دو جمعیت از جنبه مقطع تحصیلی و جنسیت یکسان بوده و از لحاظ رشته تحصیلی نیز هم سنخ و بیشتر متعلق به شهرستان‌های کشور می‌باشند .

البته یافتن دو نمونه جمعیتی که از هر لحاظ با یکدیگر شبیه و صرفاً از یک جهت متفاوت باشند، خصوصاً در حوزه علوم اجتماعی عملاً مشکل است.

۱- که همه آنها از جنس مذکر هستند.

به گفته مارش واستوکر^{۱۳} «مشکل محوری پژوهش مقایسه‌ای، همان مشکل محوری علوم اجتماعی است. ایجاد یک طرح پژوهشی کاملاً بدون اشتباه، امری محال است. مهم این است که ما به مشکلات اقرار و تا آنجا که ممکن است آنها را برطرف نماییم.»

گزیده‌ای از یافته‌های تحقیق

توصیف جمعیت نمونه مورد مطالعه

با توجه به شواهد آماری مربوط به متغیرهای زمینه‌ای جمعیت مورد مطالعه، یعنی دانشکده افسری کارشناسی دانشگاه علوم انتظامی در می‌یابیم که از لحاظ توزیع سنی، جمعیت نمونه فوق از ۱۸ تا ۲۵ سال هستند که مد یا نمای آن به سن ۲۴ سال اختصاص دارد، ۲۳/۶ درصد فراوانی را شامل می‌شود. میانگین سنی و میانه آن، ۲۱/۵ با واریانس و انحراف معیار به ترتیب ۰/۲۸۵۹ و ۰/۶۲۱۲ است. بنابراین نمونه مورد مطالعه تقریباً دارای توزیعی متقارن می‌باشد؛ اما میزان تحصیلات پدر بیشتر آنها ابتدایی می‌باشد که شامل ۶۵/۸ درصد می‌شود و ۱۲ درصد از آنها بی‌سواد، ۹/۴ درصد دارای مدرک راهنمایی و ۹/۴ درصد دیپلم و صرفاً ۳/۴ دارای لیسانس هستند و همچنین از لحاظ شغل پدر غالباً با ۳۹/۶ درصد کشاورز، ۳۴/۹ درصد کارگر، ۹/۴ درصد کارمند و ۱/۹ درصد نیز مهندس می‌باشند و ۱۴/۲ درصد الباقی نیز فرهنگی، بازنشسته، نظامی و دارای شغل آزاد هستند.

۹۶/۶ درصد دانشجویان مورد مطالعه، مجرد و ۳/۴ درصد آنان متأهل می‌باشند. جمعیت نمونه مورد مطالعه از لحاظ میزان درآمد خانواده (پدر) بدون احتساب بی‌جواب‌ها، ۲۰/۷ درصد زیر ۵۰ هزار تومان، ۴۱/۴ درصد ۵۰ تا ۹۹ هزار تومان، ۲۲/۴ درصد ۱۰۰ تا ۱۴۹ هزار تومان و ۱۵/۵ درصد نیز بالای ۱۵۰ هزار تومان درآمد دارند.

از لحاظ فضای زیست و سابقه سکونت، ۲۳/۶ درصد دانشجویان در تهران

وشهرهای اصلی، ۳۴/۵ درصد در شهرهای فرعی و ۴۱/۸ درصد در فضا و محیط روستایی به سر می‌برند و منزل مسکونی، ۳/۷ درصد از آنها سازمانی، ۲/۷ درصد اجاره‌ای، ۰/۹ درصد رهنی و ۹۱/۶ درصد به صورت ملکی می‌باشد.

مقایسه سلسله مراتب ارزش‌های چهارگانه بر حسب میانگین شاخص‌های ارزشی

۱- ارزش سیاسی:

بر حسب نتایج به دست آمده در تحقیق، سلسله مراتب شاخص‌های ارزش دفاع از وطن، در سلسله مراتب ارزشی دانشجویان پلیس در بعد سیاسی با میانگین^{۱۴} ۴/۵۸ اولویت را داراست و ارزش‌های سیاسی « مبارزه با بیگانگان مهاجم، امنیت، اقتدار ملی و مصالح ملی به ترتیب با میانگین‌های ۴/۵، ۰۵/۱۲، ۴/۴ در مراتب بعدی از گرایش‌های ارزشی آنان قرار دارد؛ در حالی که برای دانشجویان تربیت معلم، اولویت اول ارزش امنیت با میانگین ۴/۴۴ اختصاص دارد و ارزش‌های سیاسی «دفاع از وطن» «حق انتخاب» تصمیم‌گیری» «مبارزه با بیگانگان مهاجم» در اولویت بعدی آنان در سلسله مراتب ارزشی شان در بعد سیاسی قرار دارد. تکثیر (فزونی) احزاب در هر دو دانشگاه در مراتب پایین گرایش‌های ارزشی دانشجویان قرارداد ولیکن برای دانشجویان تربیت معلم با اهمیت‌تر از دانشجویان پلیس، ارزیابی گردیده است. مع الوصف جالب توجه است که ارزش‌های آزادی حقوق شهروندی، مردم سالاری، تحمل مخالف و اندیشه‌های متفاوت برای دانشجویان پلیس با میانگین‌های بالایی ارزیابی گردیده است.

۲- ارزش فرهنگی:

بر اساس نتایج به دست آمده در می‌یابیم که سلسله مراتب ارزش‌های فرهنگی دانشجویان پلیس با دانشجویان تربیت معلم متفاوت است؛ چرا که برای دانشجویان پلیس، اولویت اول در مورد ارزش‌های فرهنگی، «پایبندی به دین» (با میانگین ۴/۶) است و مصالح دینی (۴/۲۹)، معناداری زندگی (۴/۲۴)،

فلسفه حیات (۴/۲۴) و حقیقت جویی (۴/۲۲) در مراتب بعدی قرار دارند؛ اما برای دانشجویان تربیت معلم، اولویت اول در مورد ارزش‌های فرهنگی، علم و دانش با میانگین (۴/۲۲) می‌باشد و آگاهی (۴/۱۳)، شعور (۴/۱)، معناداری زندگی (۴/۱) و اندیشه تفکر (۴) در اولویت‌های بعدی آنان قرار دارد. مع الوصف در هر دو دانشگاه، مطالعه کتاب، اکتشاف، اختراع و تألیف کتاب در پایین‌ترین سطح از گرایش‌های ارزشی دانشجویان در بعد فرهنگی قرار دارد.

۳- ارزش اجتماعی:

با توجه به نتایج به دست آمده مربوط به سلسله مراتب شاخص‌های ارزش اجتماعی در دو دانشگاه مورد بررسی، مشاهده می‌شود که اولویت ارزشی اول دانشگاه علوم انتظامی در میان شاخص‌های ارزش اجتماعی، "آبرو" با میانگین ۴/۵۷ می‌باشد و ارزش‌های اجتماعی صداقت (۴/۲۶)، درستکاری (۴/۲۴)، رعایت قانون (۴/۱۶) و رعایت حقوق دیگران (۴/۱۱) در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. اما در دانشگاه تربیت معلم، ارزش "اعتماد" با میانگین (۴/۳۶)، اولویت ارزشی اول دانشجویان تربیت معلم در میان شاخص‌های ارزش اجتماعی می‌باشد و ارزش‌های اجتماعی آبرو، صداقت، درستکاری و احترام به تربیت با میانگین‌های ۴/۲۳، ۴/۱۹، ۴/۰۶، ۴/۰۵ در مرتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. ارزش‌های همبستگی و وحدت، وفاق ملی، عزت، رعایت قانون، رعایت حقوق دیگران و ایثار با اهمیت دهی بالاتر و اختلاف میانگین بیشتری در دانشگاه علوم انتظامی نسبت به دانشگاه مورد مقایسه قرار دارد و در مقابل، ارزش‌های نوع دوستی، احترام، منزلت اجتماعی و دوستی در دانشگاه تربیت معلم از اختلاف میانگین بیشتری در مقایسه با دانشگاه مورد مطالعه برخوردار است.

۴- ارزش اقتصادی:

با توجه به نتایج حاصله مربوط به سلسله مراتب شاخص‌های ارزش

اقتصادی در دو جمعیت مورد بررسی، مشاهده می‌شود که در هر دو دانشگاه، گویه‌های نظم و انضباط، پیشرفت و ترقی، مهارت‌ورم و کاهش قیمت‌ها دارای جایگاه بالایی در سلسله مراتب ارزش‌های اقتصادی دانشجویان است و درآمد بالا، پول، ثروت و خودرو در مراتب بسیار پایین‌تر قرار گرفته‌اند؛ اما نکته قابل توجه اینکه در هر دو دانشگاه، ارزش‌های کار و سخت کوشی در مراتب آخر از سلسله مراتب ارزشی اقتصادی دانشجویان قرار دارد و این نکته می‌تواند قابل تأمل باشد.

از شاخص‌هایی که دارای بیشترین اختلاف میانگین در دو جمعیت مورد بررسی است، می‌توان گویه‌های وقت‌شناسی و قناعت را در دانشگاه علوم انتظامی نام برد که به ترتیب با اختلاف میانگین $0/15$ و $0/4$ در مرتبه بالاتری نسبت به جمعیت مورد مقایسه یعنی دانشگاه تربیت معلم قرار دارند و در مقابل، گویه‌های دقت و محاسبه، منافع شخصی، درآمد بالا در دانشگاه تربیت معلم، به ترتیب با اختلافات میانگین $0/22$ ، $0/43$ ، $0/64$ در مرتبه بالاتری نسبت به جمعیت مورد مطالعه یعنی دانشگاه علوم انتظامی قرار دارند.

نتایج نهایی و بحث

عمده‌ترین نتایج تحقیق به شرح ذیل است:

۱ - سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان جمعیت مورد مطالعه یعنی دانشجویان پلیس برحسب اولویت به ترتیب ذیل است:

« ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌های سیاسی و ارزش‌های اقتصادی.»

نتیجه فوق در تطابق کامل با این فرضیه استنتاجی از نظریه کنش اجتماعی پارسونز نیست. با مسامحه می‌توان گفت نتیجه فوق بی شباهت با نتیجه تحقیق رضایی اردستانی^{۱۵} در شناسایی سلسله مراتب ارزش‌های چهارگانه جانبازان، نیست؛ به طوری که اولویت اول و دوم جانبازان مورد

مطالعه به ترتیب ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی است و اولویت سوم و چهارم آنان، ارزش‌های اقتصادی و سیاسی است؛ اما در تبیین عدم تطابق کامل نظام ارزشی گروه مورد مطالعه با مدل مطلوب نظری استنباط شده از نظریه پارسونز، باید گفت، اینکه یک جمعیتی از حیث ارزش در تعادل کامل و مطلوب باشد، به طوری که ارزش‌های فرهنگی، در بالاترین جایگاه سلسله مراتب ارزشی قرار گیرد و ارزش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به ترتیب در ذیل آن قرار بگیرند، در عرصه عمل، تقریباً برای تمام نظام‌های اجتماعی تجربی مقرون به واقع نیست. اما اینکه ارزش‌های اجتماعی به عنوان اولویت ارزشی اول دانشجویان پلیس قرار دارد حاکی از اهمیتی است که برای عناصر ارزشی چون آبرو و حیثیت اجتماعی، برادری، دوستی، صداقت، درستکاری، اعتماد، تعهد و نظایر آن، قائل هستند و احساس نیازی است که به داشتن این ارزش‌ها دارند؛ لذا بر مسئولان امر است تا این فرصت و مزیت را غنیمت دانسته و وسایل مجاز دستیابی به این اهداف ارزشی مطلوب را برای آنان فراهم سازند و بر انطباق این اهداف ارزشی با وسایل مشروع فرهنگی - اجتماعی بکوشند.

۲- مطابق با فرضیه دوم تحقیق که برگرفته از نگرش سیستمی پارسونز است، معلوم گردید که ارزش‌های چهارگانه دانشجویان به مثابه اجزا و خرده نظام‌های نظام ارزشی آنان با یکدیگر در ارتباط سیستمیک و معنا دار قرار دارند. لذا این نتیجه گرفته می‌شود که تغییر در هر یک از حوزه‌های ارزشی موجب تغییر در سطوح ارزشی دیگر خواهد شد. بنابراین باید در تناسب ورودی و خروجی اطلاعات در نظام ارزشی دانشجویان کوشش و رعایت لازم را نمود و نیازها و خواست‌های مقبول اجتماعی آنان را در قالب کانال‌های مشروع، اقناع و ارضاء و از تنش و تعارض ارزشی آنها جلوگیری نمود؛ یعنی به گونه‌ای نباشد که به طور بی

رویه مغز آنها را سرشار از اطلاعات و ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی نماییم، ولی وسایل، امکانات و فرصت‌های لازم را برای نیل به آن ارزش‌ها در اختیار آنان قرار ندهیم. از سوی دیگر نیز از ارائه اطلاعات و ارزش‌های سیاسی و اقتصادی به آنان غافل شویم و به نیازهای دانشجویان در این رابطه، پاسخی ندهیم لذا باید با رعایت تناسب ورودی و خروجی اطلاعات در نظام ارزشی دانشجویان در یکپارچگی و انسجام نظام شخصیتی دانشجویان کوشید و بدانها هویتی متعادل و عام گرا بخشید.

۳ - محیط آموزشی به عنوان یکی از عوامل اساسی جامعه پذیری ثانویه بر نظام ارزشی دانشجویان تأثیر دارد؛ به طوری که سلسله مراتب ارزشی دانشجویان پلیس^{۱۶} (که در یک فضای آموزش نظامی در حال تحصیل هستند) هرچند با سلسله مراتب آموزشی دانشجویان تربیت معلم^{۱۷} (که در یک محیط آموزش غیر نظامی به تحصیل می‌پردازند) تقریباً مشابه است ولی صرف نظر از مشابهت‌ها از سه جهت تفاوت دیده می‌شود؛ یکی از جهت محتوای هریک از سطوح ارزشی و میزان اهمیت دهی به شاخص‌های متعلق به هریک از ارزش‌های چهارگانه؛ به طوری که برای مثال در سطح ارزش‌های سیاسی، اولویت اول دانشجویان پلیس، «دفاع از وطن» است، در حالی که برای دانشجویان تربیت معلم، «امنیت» در اولویت اول قرار دارد. در سطح ارزش‌های فرهنگی برای دانشجویان پلیس «پایبندی به دین» و برای دانشجویان تربیت معلم «علم و دانش» در اولویت اول آنان قرار دارد و در سطح ارزش‌های اجتماعی اولویت اول دانشجویان در دانشکده افسری «آبرو» و در دانشکده انسانی تربیت معلم «اعتماد» است و بالاخره اینکه در سطح ارزش‌های اقتصادی، ارزش «نظم و انضباط» برای دانشجویان پلیس و ارزش «پیشرفت و ترقی» برای دانشجویان تربیت معلم، در اولویت اول آنان قرار گرفته است.

دومین بُعد از تفاوت سلسله مراتب ارزشی در برش عمودی قابل طرح است؛ به طوری که ارزش‌های سیاسی دانشجویان تربیت معلم در سلسله مراتب ارزشی آنان در مقایسه با ارزش‌های سیاسی دانشجویان پلیس، در جایگاه بالاتری قرار دارد و متعاقباً ارزش‌های فرهنگی دانشجویان پلیس در سلسله مراتب ارزشی آنان، در مقایسه با ارزش‌های فرهنگی دانشجویان تربیت معلم در رتبه بالاتری قرار گرفته است. البته اینکه ارزش‌های سیاسی دانشجویان پلیس در مقایسه با ارزش‌های دانشجویان تربیت معلم در مرتبه نازل‌تری قرار می‌گیرد، امری طبیعی است؛ چرا که نتیجه فوق به ماهیت محیط آموزشی دو دانشگاه مورد بررسی معطوف می‌گردد که یکی نظامی و دیگری غیر نظامی است.

با این وجود با توجه به نتایج به دست آمده میزان اهمیت دهی دانشجویان پلیس نسبت به ارزش‌های سیاسی نظیر آزادی، حقوق شهروندی و... بسیار قابل ملاحظه و تأمل است.

سومین بُعد از تفاوت سلسله مراتب ارزشی دانشجویان در برش افقی قابل طرح است، به طوری که شواهد آماری حکایت از تفاوت معنی دار میانگین ارزش‌های اقتصادی و ارزش‌های سیاسی دانشجویان پلیس با دانشجویان تربیت معلم دارد که نتیجه فوق احتمالاً حاکی از تأثیر محیط آموزشی بر ماهیت ارزش‌های سیاسی و اقتصادی دانشجویان می‌باشد.

۴- با بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان مورد مطالعه، بر حسب تعداد واحدهای درسی طی شده آنان به عنوان شاخص اثر گذاری محیط دانشگاهی بر ارزش‌های دانشجویان و جامعه پذیری ثانویه آنان، در برش عمودی شاهد تغییری در سلسله مراتب ارزشی دانشجویان نبوده و در هر دو گروه دانشجویان با تعداد کم و تعداد زیاد واحدهای درسی طی شده به ترتیب شامل ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد. مع

الوصف در برش افقی، شواهد آماری حکایت از تفاوت معنی دار میانگین ارزش‌های فرهنگی و سیاسی متناظر در زیر گروه‌های فوق الذکر دارد که احتمالاً به خاطر برنامه‌های فرهنگی و سیاسی سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی در دانشگاه علوم انتظامی در طول تحصیل دانشجویان باشد. اما اینکه در برش عمودی شاهد تغییری در سلسله مراتب ارزشی دانشجویان بر حسب تعداد واحدهای درسی طی شده به عنوان یکی از شاخص‌های جامعه پذیری ثانویه نیستیم، می‌تواند احتمالاً به خاطر انطباق فرایند جامعه پذیری ثانویه با روند جامعه پذیری اولیه دانشجویان در قبل از ورود به دانشگاه و یا اینکه به خاطر اختلال در ماهیت جامعه پذیری ثانویه و خنثی بودن محیط آموزشی محل تحصیل دانشجویان باشد. در هر حال صحت گمانه زنی‌های فوق، مستلزم تحقیقات علمی و پرمه‌ن‌تر دیگر است.

۵ - وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از عوامل جامعه پذیری، تأثیر معناداری در سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان مورد مطالعه دارد؛ به طوری که هرچه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی زیادتر می‌شود، بر میانگین ارزش‌های چهارگانه دانشجویان، افزوده می‌گردد. شواهد آماری حکایت از تفاوت معنی دار میانگین ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دانشجویان در سطوح استفاده کم تا زیاد از رسانه‌های جمعی دارد؛ لذا اهمیت رسانه‌های جمعی در اثر گذاری بر نظام ارزشی دانشجویان، معلوم می‌گردد که ممکن است با توجه به ماهیت و محتوای هریک از آنها، در جهت تثبیت و یا استحاله ارزشی افراد عمل نماید. بنابراین مشاهده می‌گردد که نقش رسانه‌های جمعی در جامعه پذیری ثانویه افراد از نقش واحدهای درسی، بیشتر است. لذا مسئولیت متولیان فرهنگی و پژوهشی دانشگاه در امر اطلاع رسانی و غنی سازی اوقات فراغت دانشجویان، بیش از پیش احساس می‌گردد.

۶- در بررسی تأثیر میزان مذهبی بودن بر سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان در برش عمودی شاهد یکسانی سلسله مراتب ارزش‌ها در دو زیر گروه دانشجویان با میزان متوسط به بالا و متوسط به پایین میزان مذهبی بودن، هستیم و این نتیجه شاید به خاطر یک دستی و هم بافتی جمعیت مورد مطالعه از بُعد مذهبی است که غالباً در حد بالایی قرار دارند. با این وصف، آزمون‌های آماری حاکی از تفاوت معنی دار ارزش‌های دانشجویان در سطوح فرهنگی و اقتصادی بر حسب میزان مذهبی بودن می‌باشد، به طوری که ارزش‌های فرهنگی در رابطه با میزان مذهبی بودن دارای همبستگی مثبت و ارزش‌های اقتصادی دارای رابطه همبستگی معکوس می‌باشد.

۷- نتیجه آخر تحقیق مبتنی بر تفاوت سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان مورد مطالعه بر حسب فضای شهری (اصلی یا فرعی) و روستایی به عنوان بیشترین سابقه سکونت و زندگی آنان می‌باشد؛ به طوری که در برش عمودی شاهد تفاوت سلسله مراتب ارزشی دانشجویان متعلق به فضای شهرهای فرعی و روستایی با دانشجویان متعلق به فضای شهرهای اصلی هستیم. بدین ترتیب که ارزش‌های سیاسی دانشجویان در شهرهای اصلی در اولویت بالاتری نسبت به شهرهای فرعی و فضای روستایی قرار دارد و در مقابل، ارزش‌های فرهنگی دانشجویان متعلق به شهرهای فرعی و فضای روستایی در اولویت بالاتری نسبت به همین ارزش در شهرهای اصلی هستند. در برش افقی نیز، شواهد آماری حکایت از رابطه همبستگی معکوس ارزش‌های سیاسی و اقتصادی در رابطه با فضای زیست دانشجویان دارد؛ به طوری که ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی از فضای شهرهای اصلی به فضای شهرهای فرعی و روستایی، در جهت افزایشی، تفاوت می‌یابد. در حالی که ارزش‌های سیاسی و اقتصادی آنان در جهت کاهش، تفاوت می‌یابد. از آنجا که اکثر دانشجویان مورد مطالعه، سابقه سکونت آنان متعلق به

فضای شهرهای فرعی و روستایی است و نیز با توجه به ماهیت وظایفی که در آتی به عهده می‌گیرند، باید نسبت به تقویت بینش سیاسی و تثبیت ارزش‌های سیاسی در آنان، بیشتر کوشید تا در مواجهه با رخدادهای سیاسی و اجتماعی دارای درک سیاسی و سعه صدر بالا در عرصه عمل و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های بحرانی باشند.

۸- با توجه به نتایج به دست آمده که حاکی از میزان اهمیت دهی بالای دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی نسبت به ارزش‌های اجتماعی مطلوب با سلسله مراتب اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است و همچنین با توجه به میانگین بالای اعتقادات و احساسات مذهبی آنان معلوم می‌گردد که آن ذهنیت قالبی که در ابتدای تحقیق به آن اشاره شده است، منتفی و بی‌مورد است. مع الوصف تکمیل نمودن پاسخ علمی فوق، مستلزم تحقیقات طولی و پیردامنه‌تر می‌باشد.

پیشنهادها

پیشنهادهای مورد نظر، در سه محور نظری، تجربی و اجرایی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

الف- پیشنهادهای نظری

پیشنهادهای نظری که مربوط به سطح نظری تحقیق است، عبارتند از: (۱) با توجه به فقدان یک نظریه جامع در زمینه مطالعه ارزش‌ها در حوزه جامعه‌شناسی، بهتر است برای مطالعه فوق، با اتخاذ یک رویکرد تلفیقی و بین‌رشته‌ای، به تدوین چارچوب نظری مبادرت نمود.

(۲) از آنجاکه اکثر نظریه‌های موجود، دارای ساختار غربی هستند، لذا باید نظریه‌های مورد استفاده متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و... جامعه، بومی شوند.

ب- پیشنهادهای تجربی

پیشنهاد روش‌شناسی مربوط به سطح تجربی تحقیق عبارت است از:

۱) بهتر است با استفاده از تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه عمیق در کنار پرسشنامه در جمع آوری اطلاعات میزان روایی تحقیق را افزایش دهیم.

۲) برای مقایسه تطبیقی درخصوص ارزش‌ها خصوصاً از بُعد محیط آموزشی، بهتر است گروه‌های کنترل و گواه را افزایش دهیم، مثلاً دو دانشگاه نظامی را با دو دانشگاه غیر نظامی مقایسه کنیم و تفاوت کرایش‌های ارزشی آنها را نیز بر حسب متغیرهای مستقل و زمینه‌ای مورد بررسی قرار دهیم.

۳) انجام تحقیقات طولی در زمینه به دست دادن نظام ارزشی دانشجویان در دو برش زمانی در بدو ورود و فارغ التحصیلی آنان می‌تواند ما را در ارزیابی محیط آموزشی و میزان تأثیر گذاری آن بر سلسله مراتب ارزشی دانشجویان، توانمند و یاری نماید.

۴) برای پی بردن به منابع شکل‌گیری نظام ارزشی دانشجویان و یا میزان شکاف و انطباق ارزش‌های دانشجویان با منابع فوق، می‌توان نظام ارزشی دانشجویان را با نظام ارزشی استادان و فرماندهان آموزشی دانشجویان مقایسه نمود و به نتایج جالبی دست یافت.

ج- پیشنهاد های اجرایی

با توجه به نتایج به دست آمده در مورد جمعیت مورد مطالعه، پیشنهاد می‌گردد:

۱) اینکه اولویت ارزشی اول دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی، به ارزش‌های اجتماعی اختصاص یافته است، در واقع حکایت از سطح بالای نیازهای اجتماعی آنان دارد. لذا باید تمهیداتی اندیشه شود تا سطح تعاملات اجتماعی دانشجویان نیز با جامعه بیشتر گردد و همچنین در سیستم آموزشی متمرکز، یک سویه و آمرانه، تجدیدنظر شود. علاوه بر این لازم است متون درسی دانشجویان متناسب با تغییر نظام ارزشی جامعه در بعد از انقلاب اسلامی تغییر و تحول یافته و همسو با نیازهای روز جامعه متکامل

کرد. در فرایند جامعه‌پذیر نمودن دانشجویان نیز باید ضمن نهایت احترام به شخصیت آنان بر اساس این جهت‌گیری ارزشی، جامعه‌پذیر شوند که نیروی انتظامی، در برابر مردم و عامل تهدید مردم نیست، بلکه برآمده از مردم، برای مردم و در جهت تأمین و تضمین ارزش‌های محوری جامعه یعنی عدالت، معنویت و امنیت می‌باشد. بنابراین محیط و ساختار آموزشی دانشگاه علوم انتظامی در سه بعد بینش، منش و مهارت می‌باید متأثر از این راهبرد اساسی یعنی عزت، اقتدار و رحمت باشد تا خروجی‌ها و دانش آموختگان آن سمبل عزت، اقتدار و رحمت بوده و در عرصه علم و ایمان، صحت عمل و امانتداری، سرآمد همگان و سرشار از نشاط باشند.

(۲) با توجه به نقش رسانه‌های جمعی در جامعه‌پذیری ثانویه دانشجویان، باید به طور برنامه ریزی شده امکانات و زمینه‌های جذب دانشجویان برای استفاده از بخش‌های مطلوب و پرمحتوای رسانه‌های جمعی از جمله اینترنت بیشتر فراهم شود.

(۳) با برگزاری مسابقات علمی و... دانشجویان را برای تألیف مقالات علمی و تحقیق ترغیب نموده و روحیه پژوهشگری و انتقاد پذیری در آنان تقویت گردد. البته قبلاً باید از طریق واحدهای درسی و تشکیل کارگاه‌های آموزشی، مهارت‌های لازم را برای مقاله‌نویسی و تحقیقات علمی به دانشجویان ارائه نمود.

(۴) در جهت افزایش بینش جامعه‌شناختی و قدرت تحلیل سیاسی دانشجویان و آمادگی همراه با سعه صدر آنها در مسئولیت‌های شغلی خود در آتی برای مواجهه معقول رخدادهای سیاسی - اجتماعی، کوشش بیشتری شود؛ مثلاً می‌توان از طریق ارائه مقالات علمی در نشریات دانشگاه و همچنین برگزاری مستمر سمینارهای علمی در دانشگاه علوم انتظامی، تحلیل مسائل اجتماعی روز توسط استادان دانشگاه‌های معتبر، شرکت دادن دانشجویان در همایش‌های علمی دانشگاه‌های دیگر، بازدیدهای علمی دانشجویان از محافل

علمی و دانشگاهی داخل و خارج و... در تقویت بینش اجتماعی - سیاسی دانشجویان و افزایش سطح آگاهی آنان کوشید.

۵) برای فراهم نمودن شرایط مساعد تحقیق، پیشنهاد می‌شود تا ضمن قواعد زدایی امور دست و پاگیر فعالیت‌های پژوهشی و با تثبیت حقوق مادی و معنوی پژوهشگران، زمینه‌های جذب گروه‌های آموزشی به تحقیقات علمی فراهم گردد. همچنین گروه‌های پژوهشی در حوزه‌های متعدد علمی خصوصاً علوم انسانی - اجتماعی تشکیل شود تا حول محور امنیت داخلی به طور مختص به فعالیت‌های تحقیقاتی بپردازند. البته گروه‌های پژوهشی فوق بهتر است در قالب یک مؤسسه پژوهشی وابسته به دانشگاه از جهت مالی نیز مستقل بوده و جدا از محیط نظامی و فارغ از تشریفات نظامی گری در محیطی آرام و بی‌دغدغه به فعالیت علمی مشغول شوند. به طوری که ضمن درک ماهیت خاص پژوهشگران، با این وصف که هرگونه برخورد آمرانه و قالبی را برنمی‌تابند و همچنین با در نظر گرفتن ماهیت زمان بر طرح‌های تحقیقاتی که تعجیل‌پذیر و شتاب بردار نیستند و بالاخره با ترسیم یک راهبرد تحقیقاتی کلان و... فرصت تفکر و امکان شکوفایی خلاقیت را برای پژوهش و پژوهشگران فراهم نماییم.

۶) برای تقویت افکار عمومی مثبت نسبت به نیروی انتظامی و همچنین جهت اصلاح و پالایش نگرش و ذهنیت قالبی احتمالی در جامعه که می‌تواند مانع جدی برای مشارکت فعالانه مردم با نیروی انتظامی محسوب گردد، کارهای بسیاری می‌توان کرد که برخی از آنها به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

الف) اصلاح و تغییر «رویکرد سلبی» امنیت به مفهوم صرفاً «نفی تهدید» به «رویکرد ایجابی و تأسیسی» امنیت که به مفهوم ایجاد شرایط مطلوب برای زندگی اجتماعی کلیه شهروندان در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

ب) اصلاح و تغییر نگرش راهبردی نسبت به «نظم اجتماعی» به عنوان

«هدف»، که کاربرد بی رویه و متنوع ابزار زور را برای برقراری نظم توصیه می‌کند، به نگرش راهبردی نسبت به نظم اجتماعی به عنوان «وسیله»، که کاربرد هرچه بیشتر روش‌های اقناعی، استدلالی و ایجابی را برای برقراری نظم توصیه می‌کند؛ تا آرامش و انسجام جامعه فراهم گردیده و شهروندان با احساس امنیت کامل در جهت رشد و تعالی و ایمان و کمال گام بردارند.

ج) ضمن نظریه‌پردازی نمودن در خصوص دیدگاه مقام معظم رهبری درباره نیروی انتظامی که بر عناصر کلیدی اقتدار، عزت، رأفت، رحمت و صحت عمل نیرو تاکید نموده‌اند و بزرگ‌ترین وظیفه نیروی انتظامی را حفظ ارزش‌ها دانسته‌اند؛ برای کاربست و عملی نمودن عناصر راهبردی مذکور و ایجاد امکانات و فرصت‌های لازم برای افراد پلیس در جهت نیل به عناصر و اهداف اساسی فوق، مطالعه و برنامه ریزی شود.

د) تأمین امنیت از طریق جلب مشارکت فعالانه مردم و در راستای تحقق ارزش‌های محوری آنان باشد.

ه) تأمین امنیت بهتر است از طریق تاکید همزمان بر نظم و آزادی فراهم شود. و) به موازات تفهیم دشمن‌شناسی و القای روحیه دشمن ستیزی در افراد پلیس و مبارزه قاطع با قانون شکنان؛ مفهوم شهروندی و رعایت حقوق شهروندی نیز به خوبی تفهیم شده و روحیه خدمتگزاری مخلصانه به مردم در آنان هرچه بیشتر القاء و درونی گردد.

ز) در تقویت هویت سازمانی افراد نیروی انتظامی و همچنین ارتقای موقعیت اقتصادی - اجتماعی افراد پلیس، برنامه ریزی و کوشش بیشتری شود تا ضمن افزایش ضریب احساس تعلق سازمانی شان، محبوبیت و منزلت اجتماعی آنان نیز افزایش یابد.

ح) هزینه‌های شرکت افراد نیروی انتظامی در برنامه‌های فرهنگی، هنری، تفریحی، کاهش یابد تا امکان حضور بیشتر ایشان در برنامه‌های فوق فراهم

شود و در نتیجه ضمن افزایش بینش فرهنگی آنان، احساس تعلق سازمانی شان نیز افزایش یابد.

ط) بابرقراری ارتباط مستمر میان مسئولان نیروی انتظامی و مردم از طریق رسانه‌های جمعی و شرکت فعالانه مسئولان فوق در جلسات مختلف دانشجویان دانشگاه‌های مختلف و با پاسخگویی به پرسش‌ها و استقبال از انتقادات و پیشنهادهای سازنده آنان؛ پلیس را در معرض نظارت اجتماعی و افکار عمومی قرار دهیم.

ی) به وسیله برگزاری همایش‌ها و سمینارهای علمی مشترک با دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی کشور و اجرای طرح‌های علمی مشترک و... در کسب هویت علمی نیروی انتظامی کوشش شود. ►

پی‌نویس:

- ۱- گی‌روشه، جامعه‌شناسی تانکوت پارسونز، ص ۱۳.
- ۲- بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ص ۳۹.
- ۳- ریئا اتکینسون و دیگران، زمینه روان‌شناسی، ص ۳۴۷.
- ۴- گی‌روشه، منبع پیشین، ص ۷۶.
- ۵- چالمرز جانسون، تحول انقلابی، حمید الیاسی، ص ۳۷.
- ۶- رالف داروندورف، بیرون از ناکجا آباد، ص ۲۹۶.
- ۷- فرامرز رفیع پور، آنومی یا آشفتگی اجتماعی،
- ۸- لازم به ذکر است هم اکنون با توجه به رویکرد اجتماعی و پارادایم انتقادی و معطوف به اصلاح حاکم در نیروی انتظامی و تحقیقات مشاهده‌ای محقق، حاکی از ایجاد زمینه‌های مثبت در تغییر روزافزون ذهنیت قالبی مذکور دارد.
- ۹- گی‌روشه، منبع پیشین، ص ۱۲.
- ۱۰- تانکوت پارسونز، جامعه‌شناس، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، ص ۵۲.
- ۱۱- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به حمیلتون ۱۳۷۹، استونز ۱۳۷۹، اسکیدمور ۱۳۷۵، گی‌روشه ۱۳۷۵، گی‌روشه ۱۳۷۶، کرایب ۱۳۷۸، ترنر ۱۹۹۸، پارسونز ۱۹۷۳، کورز و برنارد روزنبرگ ۱۳۷۸.
- ۱۲- سازمان عقیدتی - سیاسی ناجا، ۱۳۷۸.
- ۱۳- دیوید مارش و استوکز جری، روش و نظریه در علوم سیاسی، ص ۲۹۲.
- ۱۴- لازم به ذکر است که دامنه میانگین بین ۱ تا ۵ است.
- ۱۵- محمد حسین رضایی، «بررسی نظام ارزش‌های اجتماعی جانبازان تهران بزرگ»، ص ۶۲.

۱۶- که به ترتیب عبارات است از: ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی.
 ۱۷- که به ترتیب عبارات است از ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی.

کتابنامه

- اتکین سون، ریتا و همکاران، زمینه روان‌شناسی، ترجمه محمد تقی براهنی و دیگران، انتشارات رشد، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۹.
- استونز، راب، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، نشر مرکز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
- اسکیدمور، ویلیام، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه حاضری و دیگران، انتشارات تابان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵.
- چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
- رالف، «بیرون از ناکجا آباد»، ترجمه محمد رضا شادرو، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره اول، زمستان و بهار ۷۱-۷۲.
- رضایی، محمدحسین، «بررسی نظام ارزش‌های اجتماعی جان‌بازان تهران بزرگ»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.
- تالکوت پارسونز، جامعه شناس، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، انتشارات تبیان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
- ریشه، گی، کنش اجتماعی، ترجمه همانجانی زاده، دانشگاه فردوسی چاپ چهارم، مشهد ۱۳۷۹.
- رفیع‌پور، فرامرز، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش، تهران ۱۳۷۸.
- سازمان عقیدتی - سیاسی ناجا، مجموعه جملات برگزیده، ۱۳۷۸.
- کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، فرهنگ معاصر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲.
- کوزر، لوئیس و برنارد، روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸.
- کرایب، یان، نظریه‌های اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، انتشارات آگاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- مارش، دیویدو جری، استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۸.
- همیلتون، پیتر، تالکوت پارسونز، ترجمه احمد تدین، انتشارات هرمس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
- جانسون، چالمرز، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

- Parsons, Talcot; (1973) The Structure Of Social Action, New York: Mac Graw-Hill.

- Turner, Janathan H. (1998) The Structure Of Sociolo ical theor, Wansowrth publishin compan.